**باسمه تعالی**

[***ادامه مسأله نهم (تزاحم بین وقت فضیلت و نماز جماعت)*** 1](#_Toc481255782)

[**نظر صاحب عروه** 1](#_Toc481255783)

[**نظر مرحوم حکیم** 1](#_Toc481255784)

[**نظر مرحوم تبریزی** 2](#_Toc481255785)

[**نظر استاد مدّ ظلّه** 4](#_Toc481255786)

[***نکته باقیمانده از بحث استحباب تفریق بین دو نماز*** 5](#_Toc481255787)

[***مسأله دهم عروه*** 6](#_Toc481255788)

[***مسأله یازدهم عروه*** 7](#_Toc481255789)

[***فصل سوم عروه: اوقات رواتب*** 7](#_Toc481255790)

**موضوع**: کتاب الصلاه/اوقات نماز های یومیه /ادامه مسأله نهم (تزاحم بین وقت فضیلت و نماز جماعت)

**خلاصه مباحث گذشته:**

***ادامه مسأله نهم (تزاحم بین وقت فضیلت و نماز جماعت)***

يستحب التعجيل في الصلاة في وقت الفضيلة‌و في وقت الإجزاء بل كلما هو أقرب إلى الأول يكون أفضل إلا إذا كان هناك معارض كانتظار الجماعة أو نحوه‌- قد مر أن الأفضل في كل صلاة تعجيلها‌ فنقول يستثنى من ذلك موارد ... السادس لانتظار الجماعة إذا لم يفض إلى الإفراط في التأخير

**نظر صاحب عروه**

**بحث راجع به این بود که صاحب عروه فرمود:**

تأخیر نماز از أول وقت برای انتظار جماعت و یا انتظار حضور در مسجد، فضیلت دارد مگراین که منجرّ به افراط در تأخیر نماز بشود.

**نظر مرحوم حکیم**

**مرحوم حکیم اعتراض کردند که:** حتّی اگر منجرّ به افراط در تأخیر شود ثواب عظیم نماز جماعت منشأ می شود که تأخیر برای درک این ثواب عظیم أولی از اتیان به نماز در وقت فضیلت باشد.

**نظر مرحوم تبریزی**

**مرحوم استاد مشابه همین فرمایش مرحوم حکیم را بیان کرده اند: که ما باید در دو مقام بحث کنیم؛**

**مقام أول تأخیر نماز از أول وقت در جایی که قبل از فوت وقت فضیلت نماز جماعت برقرار می شود:**

که در این صورت شکی نیست که تأخیر نماز برای درک نماز جماعت أولی است زیرا در روایت وارد شده است که نماز جماعت بیست و پنج برابر نماز فرادا است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ***الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ تَفْضُلُ عَلَى كُلِّ صَلَاةِ الْفَرْدِ بِأَرْبَعٍ وَ عِشْرِينَ دَرَجَةً تَكُونُ خَمْساً وَ عِشْرِينَ صَلَاةً***.[[1]](#footnote-1)

ولی در مورد نماز أول وقت همچون تعبیراتی نداریم و تنها می گوید:

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: ***قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَقْتُ كُلِّ صَلَاةٍ- أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ أَوْ وَسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ قَالَ أَوَّلُهُ- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ- يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ***.[[2]](#footnote-2)

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ وَ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: ***لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ وَ أَوَّلُ الْوَقْتَيْنِ أَفْضَلُهُمَا- وَ لَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْداً- وَ لَكِنَّهُ وَقْتُ مَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ سَهَا أَوْ نَامَ- وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتاً إِلَّا مِنْ عُذْرٍ أَوْ عِلَّةٍ***.[[3]](#footnote-3)

این روایات دلیل بر أفضلیت نماز أول وقت بر نماز جماعت نیست.

یا مثلاً در نماز صبح داریم که در ابتدای طلوع فجر نماز بخوانید تا ملائکه لیل و ملائکه نهار هر دو آن را ثبت کنند که عملاً ثوابش معادل ثواب دو نماز می شود که قابل مقایسه با ثواب نماز جماعت نیست که حداقل بیست و پنج برابر ثواب نماز فرادا است.

**مقام دوم این است که نماز جماعت منشأ فوت وقت فضیلت شود؛**

-که در این جا مرحوم خویی در فضیلت درک جماعت اشکال کرده اند و فرموده اند:

روایات فضیلت نماز جماعت، انصراف به نماز جماعت هایی دارد که در وقت فضیلت خوانده می شده است و متعارف در زمان أئمه و در زمان کنونی همین است. و در روایات برای تأخیر نماز تعابیر تندی آمده است و تأخیر نماز را تضییع نماز دانسته اند و برخی از فقهاء مثل صاحب حدائق به خاطر همین تعبیرات فرمودند واجب تکلیفی است که مختار در همین وقت معروف به وقت فضیلت نماز بخواند.

-ولی مرحوم استاد این را قبول نکرده اند و فرموده اند:

اگر تضییع نماز عصر مثلاً به به این باشد که نزدیک غروب آفتاب نماز جماعت برقرار شود قبول داریم. ولی این که شش هفتم شاخص بگذرد اشکالی ندارد و صحیحه سلیمان بن خالد: وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ***الْعَصْرُ عَلَى ذِرَاعَيْنِ- فَمَنْ تَرَكَهَا حَتَّى تَصِيرَ عَلَى سِتَّةِ أَقْدَامٍ فَذَلِكَ الْمُضَيِّعُ***.[[4]](#footnote-4) این روایت باید حمل بر تضییع وقت فضیلت شود نه این که بر تضییع وقت نماز حمل شود زیرا تضییع وقت نماز به این است که یدعها حتّی تصفرّ و تغیب یعنی خورشید زرد شود و در شرف غائب شدن باشد. لذا اگر نماز فرادا را رها کند که بعد از اصفرار شمس نماز جماعت را بخواند قبول داریم که تضییع است و نماز فرادا مقدّم است.

و این که مرحوم خویی فرمودند: أدله فضیلت نماز جماعت انصراف به نماز های متعارف دارد که نماز را در وقت فضیلت می خواندند وجهی ندارد زیرا همه نماز جماعت ها در مساجد نبوده است بلکه در خانه هم نماز جماعت خوانده می شده است و أهل و فرزند و یا دوست مأموم می شدند و أدله فضیلت نماز جماعت هم اطلاق دارد و شامل این موارد هم می شود.

لذا مرحوم استاد می فرماید: به نظر ما حتّی اگر به افراط در تأخیر منجرّ شود باز أفضل این است که صبر شود تا نماز با جماعت خوانده شود، مگر این که تضییع نماز صورت بگیرد.

ایشان می فرماید: ما در تأخیر نماز أول وقت برای درک فضیلت نماز در مسجد هم همین را می گوییم که تأخیر أفضل است: زیرا أقل مساجد، مسجد بازار است که دوازده برابر نماز فرادا است و نماز در مسجد قبیله 25 برابر نماز در خانه است و در مورد رعایت وقت فضیلت چنین تعابیری وارد نشده است و این قدر ثواب نگفته اند:

موثقه سکونی؛ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: ***صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ تَعْدِلُ‌ أَلْفَ صَلَاةٍ- وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةُ صَلَاةٍ- وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً- وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً- وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحْدَهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ***.[[5]](#footnote-5) (ظاهراً مراد از مسجد أعظم مسجد جامع است و گرنه در مورد نماز فریضه در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الکوفه و بیت المقدس وارد شده که نماز در آن معادل حجّ است و نافله در آن معادل عمره است.)

این محصّل فرمایش مرحوم استاد می باشد.

**نظر استاد مدّ ظلّه**

**ولی این مطلب برای ما خالی از اشکال نیست؛**

همان طور که مرحوم خویی و آقای سیستانی دارند، فضیلت تأخیر نماز از وقت فضیلت برای درک جماعت، برای ما ثابت نیست زیرا:

روایاتی که می گوید «صلاه جماعه تعدل خمساً و عشرین جماعه» ناظر به ذات نماز است یعنی نماز جماعت با قطع نظر از امتیازات دیگر با نماز فرادای دیگر با قطع نظر از امتیازات دیگر حساب شده است مثل این روایت که می گوید: فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر النجوم فی لیله البدر؛ که اگر عالمی باشد که چند مسأله یاد گرفته باشد و در مقابل عابدی باشد که أورع و أتقی الناس باشد این روایت شامل آن نمی شود که این عالم فضیلت بیشتری داشته باشد. در محل بحث هم نماز جماعت فی نفسه و جدای از امتیازات دیگر از نماز فرادا فی نفسه بالاتر است ولی اگر نماز فرادا امتیازات دیگری داشته باشد مثل این که در نماز فرادا حضور قلب بیشتری داشته باشد به خاطر شرائطی که در مسجد وجود دارد که باعث می شود حضور قلب را از دست بدهد مثل وجود صور ارواح و مجسمه ها، معلوم نیست این نماز فرادا که با حضور قلب است 25 مرتبه کمتر از نماز جماعت بدون حضور قلب باشد. لذا در این جا هم می گوییم معلوم نیست نماز جماعتی که در وقت فضیلت خوانده نمی شود 25 برابر نماز فرادایی باشد که در وقت فضیلت خوانده می شود.

و معنای ان الله یحب من الخیر عاجله نیز حیثی است یعنی وقتی دو چیز خیر اند و من جمیع الجهات مساوی اند خدا عاجل را دوست دارد ولی اگر متأخّر أشدّ خیراً باشد مثل نماز شب قُبیل طلوع فجر، خدا آن را هم دوست دارد و برای درک فضیلت متأخّر مثل همین نماز شب مجبوریم تأخیر بیندازیم و أفضل تأخیر است نه این که ابتدای شب خوانده شود.

و سارعوا إلی مغفره من ربکم متعلّق آن مسارعت به مغفرت خدا است نه این که اگر واجب یا مستحبّ موسّعی بود سریع تر آن را انجام دهیم بلکه به این معنا است که بر هم دیگر پیشی بگیرید و به سمت مغفرت خدا بشتابید و گاهی مغفرت خدا در تأخیر یک فعل است مثل نماز شب قبل از طلوع فجر. یا مثل نماز عشاء که مغفرت خدا در این است که بعد اذ ذهاب حمره مغربیه خوانده شود.

خلاصه این که: در تزاحم بین نماز جماعت و وقت فضیلت دلیلی بر استحباب درک جماعت ولو منجرّ به فوت وقت فضیلت شود، نداریم ولی اگر قبل از فوت وقت فضیلت نماز جماعت خوانده شود تأخیر نماز اشکالی ندارد.

***نکته باقیمانده از بحث استحباب تفریق بین دو نماز***

**نکته ای هم از بحث قبل مانده است که مطرح می کنیم؛**

صاحب عروه فرمود که تفریق بین دو نماز أفضل است که مرحوم خویی فرمود فیه اشکال و آقای سیستانی فرمود لم یثبت استحباب التفریق بعنوانه.

**برخی به ما اشکال کرده اند که:**

وقتی شما روایت ذکری را سنداً و دلالهً قبول کردید چرا ملتزم به استحباب تفریق نمی شوید.

و آقای خویی با این که روایات استحباب تفریق را قبول کرد ولی معارض پیدا کرد وفرمود: «إن هی إلا سبحتک» قرینه بر خلاف بلکه معارض با این روایاتی است که می گوید تفریق أفضل است (به این بیان که فاصله بین نماز ظهر و عصر به جهت نافله است و اگر نافله نمی خوانی یا مثل سفر نافله ساقط است نماز عصر را بدون فاصله بخوان و تفریق أفضل نیست و استحباب تفریق به خاطر نافله است)؛

ولی شما این معارضه را قبول نکردید و فرمودید:

أولاً: اگر این روایات که می گفت «إن هی إلا سبحتک یا شرّع لمکان النافله» تمام شود جمع عرفی دارد و کشف می شود که التفریق أفضل به این خاطر که نافله بین دو نماز خوانده شود گفته شده است و تعارض ندارند و وجهی برای این تعارض نیست. (مرحوم خویی به جهت معارضه فتوا نداده اند ولی عام فوقانی بعد از تعارض را بیان نکرده اند و شاید در نظر مبارک ایشان این بوده که إن الله یحب من الخیر عاجله عام فوقانی است.)

ثانیاً: در مقابل این روایات «إن هی إلا سبحتک یا شرّع لمکان النافله» روایتی است که صحیحه است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: ***كَتَبْتُ إِلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَوَى أَصْحَابُنَا- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالا- إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ- إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً- إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ- وَ رَوَى بَعْضُ مَوَالِيكَ عَنْهُمَا- أَنَّ وَقْتَ الظُّهْرِ عَلَى قَدَمَيْنِ مِنَ الزَّوَالِ- وَ وَقْتَ الْعَصْرِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ مِنَ الزَّوَالِ- فَإِنْ صَلَّيْتَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُجْزِكَ- وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ يُجْزِي وَ لَكِنَّ الْفَضْلَ فِي انْتِظَارِ الْقَدَمَيْنِ وَ الْأَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ- وَ قَدْ أَحْبَبْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ أَعْرِفَ- مَوْضِعَ الْفَضْلِ فِي الْوَقْتِ- فَكَتَبَ الْقَدَمَانِ وَ الْأَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ صَوَابٌ جَمِيعاً***.[[6]](#footnote-6)

که سه قول را نقل می کند و امام علیه السلام القدمان و أربعه أقدام را صواب معرّفی می کند. و روایت إن هی إلا سبحتک را ترجیح نمی دهد که معنایش این است که روایت إن هی إلا سبحتک بیان جواز می کند نه استحباب در مقابل عامه که می گفتند تأخیر نماز عصر واجب است این روایت می گوید تأخیر نماز عصر واجب نیست و تقدیم نماز و خواندن آن قبل از بلوغ الظل مثله، جایز است.

لذا عرض ما این می شود که حال که به خاطر این روایت صحیحه، روایت إن هی إلا سبحتک حمل بر ترخیص شد دیگر تعارض و یا جمع عرفی برطرف شد و التفریق أفضل باقی می ماند و إن هی إلا سبحتک هم می گوید تقدیم نماز عصر جایز است که منافات با استحباب تفریق ندارد. و این اشکالی است که به ما می شود.

**و جواب ما این است که:**

ما معتقدیم التفریق أفضل در ارتکاز متشرّعی در آن زمان ظهور بیش از این نداشت که جمع بین دو نماز به این است که نماز در غیر وقت فضیلت، خوانده شود به این که عصر مقدم شود و یا ظهر مؤخّر شود و این خلاف فضیلت است و التفریق أفضل در مقابل جمع است که در روایت دارد که جمع رسول الله بین صلاتین من غیر مطر و لا سفر. لذا تفریق بیش از این ظهور ندارد که اتیان هر نمازی در وقت فضیلت آن أفضل است لذا ما هم مثل آقای خویی و آقای سیستانی می گوییم استحباب تفریق فی نفسه ثابت نشده است و تنها به جهت رعایت وقت فضیلت مستحبّ است.

***مسأله دهم عروه***

يستحب الغلس بصلاة الصبح‌ أي الإتيان بها قبل الأسفار في حال الظلمة‌

این مسأله را قبلاً بحث کردیم و روایت وارد شده که اگر در ابتدای طلوع فجر نماز صبح را بخوانی هم ملائکه لیل و هم ملائکه نهار آن نماز را ثبت می کنند که دلیل بر أفضلیت نماز صبح در این وقت است.

***مسأله یازدهم عروه***

كل صلاة أدرك من وقتها في آخره مقدار ركعة‌ فهو أداء و يجب الإتيان به فإن من أدرك ركعة من الوقت فقد أدرك الوقت لكن لا يجوز التعمد في التأخير إلى ذلك‌

این مسأله را هم قبلاً بحث کردیم.

***فصل سوم عروه: اوقات رواتب***

ما این فصل را زیاد بحث نمی کنیم و از لابلای بحث های گذشته مقداری روشن شد.

روایت می گوید: وقتی شما دو هفتم شاخص شد دیگر نافله ظهر را نخوان و نماز ظهر را بخوان و وقتی چهار هفتم شاخص شد نافله عصر را نخوان و نماز عصر را بخوان و این را قبلاً بحث کردیم و تکرار آن لازم نیست.

مهم در اوقات الرواتب این است که وقت نماز شب را بحث کنیم که وقت نماز شب برای حاضر از ابتدای شب است کما علیه جماعه کالسید السیستانی و یا از نیمه شب است. در جلسه بعد این را بحث می کنیم و بعد احکام اوقات را دنبال می کنیم.

1. وسائل الشيعة، ج‌8، ص: 285‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 122‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 119‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 152‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‌5، ص: 289‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 148‌ [↑](#footnote-ref-6)